آستان قدس

کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

نام کتاب: جبر و اختیار

مؤلف متن: خواجه نصیرالدین محمد طوسی — محشی

شارح .... مترجم ....

تاریخ تحریر: ۱۱ هـ.ق — نوع خط: نسخ — تعداد سطر: چلیپائی

جزء کتب: حکمت و کلام — زبان: فارسی — عدد اوراق: ۱۲ صفحه

طول: ۲۴ — عرض: ۱۳ — شماره عمومی: ۲۳۴۹۶

وقفی / خریداری: آستان قدس — تاریخ وقف / خریداری: مهر ۱۳۲۹

ملاحظات: جبر و قدر (عنوان دیگر)

قدره ولم یتعد طوره اینست حال من ومقدار من المقصود غرض از نوشتن این چند کلمه که زبان زد هر کوچک و بزرگست نه قصد افاده است که نسبت بملازمان آنجناب توهم این داعیه محض کفرست و نه غرض واظهار معرفت خود است که قطره را با دریای محیط خود نمائی دلیل جهلست بلکه مطلوب آنست که خود را بدین وسیله بخاطر فیض مآثر آن عالیقدر که هر گز از خاطر محبتم تا در آمده است قدم بیرون ننهاده طلب تجدید عهد خاطر آن خورشید ذره پرور نماید و خود را در سلک محبان و مشتاقان آن درگاه جای دهد اگر چه تاثیر محبتم را چندان احتیاجی باین اظهار نیست لکن تهادوا تحابوا از سرور کاینات صلی الله علیه وآله وسلم وارد است و مرا بهتر از غرض اخلاص هدیه نبود بدان اکتفا کردم و از آن هم اندکی ذکر کردم که الجرعة تدل علی الغدیر والحفنة علی البیدر الکبیر الله تع بار دیگر ملازمت از جناب را روزی این مخلص کرداناد بالنبی واله الامجاد

رسالة الجبر والقدر من مصنفات المولی الاعظم الحبر العلامة لا زال نصیر الملة والدین وناصر الاسلام والمسلمین الطوسی خصه الله بفیوض القدسی

قدره و لم یتعدّ طوره اینست حال من و مقدار من. المقصود غرض از نوشتن این چند کلمه که زبان زد هر کوچک و بزرگ است نه قصد افاده است که نسبت بملازمان آنجناب توهم این داعیه محض کفر است و نه غرض دا[نش] واظهار معرفت خود است که قطره را با دریای محیط خود نمائی دلیل جهلست بلکه مطلوب آنست که خود را بدین وسیله بخاطر فیض مآثر آن عالیقدر که هرگز از خانهٔ محبّت تا در آمده است قدم بیرون ننهاده طلب تجدید عهد خاطر آن خورشید ذره پرور نماید و خود را در سلک محبان و مشتاقان آن درگاه جای دهد اگرچه تاثیر محبت را چندان احتیاجی باین اظهار نیست لکن تهادوا تحابوا از سرور کاینات صلی الله علیه وآله وسلم وارد است و مرا بهتر از عرض اخلاص هدیه نبود بدان اکتفا کردم و از آن هم اندکی ذکر کردم که الجرعة تدل علی الغدیر والحفنة علی البیدر الکبیر الله نعم بار دیگر ملازمت آنجناب را روزی این مخلص کرداناد بالنبی وآله الامجاد

رسالهٔ الجبر و القدر من مصنفات المولی الاولی الحبر العلامة لا زال نصیر الله الدین و ناصر الاسلام و المسلمین الطوسی خصه الله بفیوض القدسی

باشد
وصورت نفس
مسبب بود وفاعل خود
بجای خویش بود وحکما فاعل را
مانند خوانند وماده را با موضوع را
ما فیه وصورت را نیز وغایت را ما له ودیگر
بسایط را که حال بنا شد در محلی باشد هیولی اولیه
ومعلول اول را فاعل وغایت یکی بود اما جایی که موجود ذاتی که در عالم
کون وفساد ند بل در عالم جسمانیات بیرون ماده اول ازین جهار
وهر یکی ازین جهار چنانکه گفتیم قریب باشد یا بعید وقریب
ازو حاصل آید وبعید سبب آن سبب باشد وهمچنین هر یکی ازان تام باشد

[illegible]

[illegible]

... باشند ... تصور آن درین باب ... مشهور در باب اسباب ... یعتقد انتا[؟] ... الله تعالی ...

در بیان آنکه وجود فعل بشر مستقل از فاعل مختار نبود

[illegible]

فصل هفتم در ذکر قوی و افعال

... اختیار و فاعل نباشد ...

انسان و فرق میان ... [illegible]

... مرکز عالم ... هر عضوی از اعضا ... قوت غاذیه است ... مزاج ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

بخلاف آنکه ... [illegible]

که تابع آن بحکم آنکه ... است ... [illegible]

اما دادن انسان بحکم تعلیم ... بیافتد ... و ملکات بد کرده ... [illegible]

او در فطرت مجبول بر تعلیم و تهذیب نیافته باشد بل از آن بمبالغت ... [illegible]

تعلیم فاعله فاسد ... [illegible]

اما قوة نطقی ... [illegible]

مصالح معاش و معاد ... [illegible]

علوم و تفکر در معقولات ... [illegible]

... بحث خاص ... استدلال ... مطلوب و حل بعضی شبه مذکوره

[illegible]

۲۱

[illegible]

فصل ... در اینکه ... اختیار ... تعالی ... [illegible]

[illegible]

ذات او بوده باشد نه تابع ارادتش و نسبت قدرت با فعل و عدمش یکسان بود و ارادتش تعلق
بفعل باشد نه بعدمش و فعل بهر دو طرف حاصل بود و آنرا در فعل تاثیری نبود الا آنکه ارادتش از
او باعث شود و این هم اقتضای تغایر ابجله کند و ذات که مبدأ کثرت باشد دا و اثنینیق
محال باشد تا با بجز زیادت ازان باشد چه رسد و این صفات او را بر وجهی باشد که اقتضاء
تعدد و تکثر نکند پس اختیار بر وجهی مفهوم در مردم ازان ذات منفی باشد و چون اختیار نباشد
جبر که مخصوص باشد بکسی که او را اختیاری فرض توان کرد و فعلش نه باختیار او باشد هم
نتواند بود و همچنین فعل بحسب طبع و بحسب قوای دیگر غیر ذات نتواند بود پس از اقسام
مذکور لا یقتران باشد که اینجا فاعل بذات گویند و بس و بر اجمال داشته که هر چه معقول و مفهوم
و موهوم و متخیل و محسوس خلق باشد از و تعالی مسلوب باشد و او ازان منزه و ازین تنزیه هم
متنزه اذا بلغ الکلام الی الله فامسکوا تمت الرسالة الجبر و القدر بعون الله الملک الاکبر ۵

[illegible]

شرح رباعیات مولانا جلال

بسم الله الرحمن الرحیم حمداً لا اله شمل الخلق اله لا رب لنا سواه بل الیس سواه ذات د و کونرا
زآسیب عدم غیر از حرم رحمت و نیت پناه حمد سزاوار سرادق کبریا تقدس و تعالی از غیر آنحضرت
اهلی صدور نتواند یافت و شکر مکافی الا و نعمآء ان ساحت و الا از مفلسان کوی عدم و فنادر
وجود [illegible]

[illegible] رباعی [illegible]

[illegible] رباعی [illegible]

بضاعت خود خصوصا در امثال این مطالب عالیه که محار انظار اولی الایدی و الابصار ست معلوم
داشت در زاویهٔ اعراض مطروح شده بود و اکثر ان منسج عناکب نسیان گشته و مندق بود که جمعی
[illegible]

[illegible] بیت [illegible]

[illegible] رباعی [illegible]

خواه از قبیل قیام صفت بموصوف باشد چون قیام وجود بماهیات ممکنه یا از قبیل قیام شیء
بنفس باشد چون قیام وجود واجبی بذات خود و ازانکه اطلاق قیام بران مجاز باشد لازم نیاید